

فصلنامه دانش انتظامی سمنان ، دوره پانزدهم ، شماره پنجاه و هشتم ، زمستان ۱۴۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۱/۱۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۰۴

صفحات: ۶۰-۸۳

آثار اثباتی و دفاعی تصاویر ضبط شده برای پلیس و متهم در نظام عدالت کیفری ایران

نویسندگان:

علی یزدانیان<sup>۱\*</sup>، جمشید علیمحمدی<sup>۲</sup>

## چکیده

هدف این پژوهش بررسی کارکرد حقوقی لباس دوربین دار پلیس در نظام عدالت کیفری ایران است. با توجه به نقش مهم ضابطان دادگستری در کشف جرم و تامین حقوق شهروندی، استفاده از فناوری لباس دوربین دار می تواند به عنوان ابزاری نوین برای ثبت عینی وقایع و افزایش شفافیت و پاسخگویی مطرح شود. روش تحقیق این مقاله توصیفی-تحلیلی است که با مطالعه اسناد، قوانین مرتبط و مرور ادبیات موضوع در سطح ملی و بین المللی انجام شده است. یافته ها نشان می دهد که لباس دوربین دار، ضمن ارتقای کیفیت ادله و کاهش تعارضات در تعامل پلیس و شهروندان، موجب بهبود نظارت مافوق بر عملکرد مأموران نیز می شود. با این حال، فقدان چارچوب قانونی مشخص و استانداردهای فنی و اخلاقی، چالش هایی را در بهره برداری کامل از این فناوری به وجود آورده است. نتیجه گیری مقاله بر لزوم تدوین مقررات جامع، آموزش تخصصی و ایجاد سازوکارهای نظارتی به منظور بهبود کارکردهای حقوقی لباس دوربین دار تأکید دارد. یافته های این پژوهش سهم مهمی در توسعه دانش کاربرد فناوری های نوین در عدالت کیفری ایران و ارتقای حقوق شهروندی دارد.

کلید واژه ها : لباس دوربین دار پلیس، ادله الکترونیک، آثار اثباتی، آثار دفاعی، نظام عدالت کیفری.

۱. دکتری حقوق عمومی، مسئول امور پژوهشی شورای سلامی سمنان - a\_yazdaniyan56@yahoo.com

۲. معاون و مدرس مرکز فرماندهی نیروی انتظامی استان سمنان

## ۱. مقدمه

تحولات فناوری در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در عرصه پلیس و کشف جرم، دگرگونی‌های مهمی در روش‌های جمع‌آوری ادله و تضمین حقوق طرفین دعوای کیفری به همراه داشته است. یکی از شاخص‌ترین این نوآوری‌ها، استفاده از دوربین‌های نصب‌شده بر لباس مأموران پلیس<sup>۱</sup> است که امکان ثبت همزمان تصویر و صدا از تمامی تعاملات میان مأموران و شهروندان را فراهم می‌سازد. این فناوری علاوه بر آنکه ابزار مؤثری در کشف جرم و جمع‌آوری ادله به شمار می‌رود، نقشی اساسی در ارتقای شفافیت، پاسخگویی و رعایت اصول دادرسی منصفانه دارد. مطالعات جهانی نشان داده است که استفاده از این ابزار می‌تواند تا ۵۰٪ شکایات مردمی از پلیس را کاهش دهد و میزان رعایت ضوابط قانونی را در میان مأموران افزایش دهد. با وجود چنین نتایجی، در نظام حقوقی ایران، چارچوب قانونی منسجم برای استفاده از لباس دوربین‌دار وجود ندارد و مقرراتی مشخص در خصوص نصب، استفاده، نگهداری، و ارزیابی داده‌های حاصل از آن تدوین نشده است. این خلأ قانونی می‌تواند هم مانع بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های این فناوری شود و هم در صورت استفاده ناصحیح، چالش‌هایی مانند نقض حریم خصوصی و مخدوش‌شدن زنجیره حفاظت از ادله ایجاد کند.

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اگرچه وظایف ضابطان دادگستری و نقش دادستان در نظارت بر عملکرد آنان را بازتعریف کرده است، اما مقررات دقیقی درباره نصب، ضبط، نگهداری و ارزیابی داده‌های حاصل از لباس دوربین‌دار پیش‌بینی نکرده است (پورا‌براهیم و یزدان‌شناس، ۱۳۹۵: ۷۲). همین خلأ حقوقی می‌تواند از یک‌سو مانع بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های این فناوری شود و از سوی دیگر، در صورت استفاده ناصحیح، پیامدهایی همچون نقض حریم خصوصی یا خدشه به اعتبار ادله ضبط‌شده را در پی داشته باشد. در واقع، نبود قواعد روشن موجب می‌شود کارکردهای مثبت این ابزار به‌طور کامل بالفعل نشود و در عوض، زمینه‌ای برای مناقشات حقوقی تازه فراهم آید. با توجه به اینکه طبق نص قانون، بخش عمده‌ای از وظایف ضابطیت بر عهده پلیس نهاده شده است، کیفیت عملکرد ضابطان تأثیر مستقیمی بر تحقق اهداف عدالت کیفری و حفظ حقوق شهروندی دارد (ساریخانی، ۱۳۹۷: ۱۸۰). گزارش‌های ضابطان، مبنای تصمیم‌گیری قضات است، اما این گزارش‌ها در بسیاری موارد از دقت، جامعیت و بی‌طرفی کافی برخوردار نیستند. بنابراین، ابزارهایی مانند لباس دوربین‌دار می‌توانند با ثبت دقیق وقایع، خلأها و کاستی‌های گزارش‌های مکتوب را جبران کرده و بستر لازم برای تصمیم‌گیری منصفانه قضایی را فراهم سازند (قاسمی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۴۶).

از منظر اثباتی و دفاعی، دوربین‌های متصل به لباس پلیس می‌توانند نقشی تعیین‌کننده ایفا کنند. گزارش‌های ضابطان دادگستری که در بسیاری موارد فاقد دقت و بی‌طرفی کافی‌اند، مبنای تصمیم‌گیری قضات قرار می‌گیرند، در حالی که تصاویر و اصوات ضبط‌شده می‌توانند به‌عنوان شاهدهی عینی و غیرقابل انکار، کاستی‌های گزارش‌های مکتوب را جبران کنند. این ویژگی نه تنها روند کشف جرم را تسهیل می‌کند بلکه به متهم نیز امکان می‌دهد از دفاعی مستندتر و مؤثرتر برخوردار شود و قضات نیز بر پایه داده‌های دقیق‌تر به تصمیم‌گیری بپردازند.

در بُعد حقوق شهروندی، لباس دوربین‌دار نقش دوگانه‌ای دارد. از یک‌سو مانع بروز رفتارهای خشونت‌آمیز، تبعیض‌آمیز یا خارج از قانون از سوی پلیس می‌شود و از سوی دیگر، ادله‌ای معتبر در اختیار شهروندان قرار می‌دهد تا در صورت تخلف مأموران، بتوانند از حقوق خود دفاع کنند. چنین کارکردی همسو با اصولی همچون شفافیت، علنی بودن محاکمات و دادرسی عادلانه است که در نظام حقوقی ایران و اسناد بین‌المللی بر آن تأکید شده است. بنابراین این فناوری صرفاً ابزاری فنی برای ضبط وقایع نیست، بلکه به‌منزله ابزاری حمایتی و بازدارنده در برابر سوءاستفاده احتمالی از قدرت پلیس عمل می‌کند که به‌عنوان ستون عدالت‌کیفری مورد تأکید قرار گرفته است (امیدی و نیکوئی، ۱۳۸۷: ۲۴). در نهایت به نهادینه‌سازی فرهنگ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در دستگاه‌های انتظامی می‌انجامد. در این میان، مقایسه تطبیقی با نظام‌های حقوقی پیشرفته نشان می‌دهد که شفافیت حاصل از استفاده از این فناوری، رابطه میان پلیس و جامعه را از سطح تقابل به سطح همکاری ارتقا داده است (ساریخانی، ۱۳۹۷: ۱۹۲).

از سوی دیگر، کارکرد نظارتی این فناوری نیز بسیار حائز اهمیت است. در سطح درونی، فرماندهان پلیس می‌توانند با بازبینی فیلم‌های ضبط‌شده، عملکرد مأموران خود را به‌دقت ارزیابی کرده و در صورت تخلف یا قصور، اقدام اصلاحی مناسب انجام دهند. این امر باعث ارتقای حرفه‌ای‌گری در میان ضابطان و کاهش گرایش به شیوه‌های سنتی و قهری در اجرای وظایف می‌شود. در سطح بیرونی نیز، دادستان و مراجع قضایی از طریق دسترسی به این داده‌ها قادر خواهند بود نظارت قانونی کارآمدتری بر رفتار ضابطان اعمال کنند و از این رهگذر، حقوق متهمان و شاکیان تضمین بیشتری بیابند (پورابراهیم و یزدان‌شناس، ۱۳۹۵: ۶۷). با وجود این مزایا، فقدان مقررات روشن درخصوص شرایط نصب، مدت نگهداری، نحوه دسترسی و میزان اعتبار قضایی داده‌های حاصل از لباس دوربین‌دار، چالش‌های جدی به همراه دارد. در غیاب چنین چارچوبی، خطر استفاده گسترده و نامحدود از داده‌ها یا بهره‌برداری غیرقانونی از آن‌ها وجود دارد که می‌تواند نه تنها حریم خصوصی شهروندان را نقض کند، بلکه ارزش اثباتی این داده‌ها را نیز زیر سؤال ببرد. از این رو، ضروری است قانون‌گذاران با الهام از تجارب بین‌المللی، قواعدی شفاف و کارآمد تدوین کنند تا میان بهره‌گیری

مؤثر از فناوری و سیانت از حقوق بنیادین اشخاص تعادل برقرار شود و تنها در پرتو چنین چارچوبی است که می‌توان میان کارآمدی نظام عدالت کیفری و تضمین حقوق شهروندی تعادل برقرار ساخت (نوروزی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۲). با وجود اهمیت این موضوع، پژوهش‌های داخلی در ایران تاکنون به‌صورت پراکنده به جایگاه و کارکرد لباس دوربین‌دار پرداخته‌اند و مطالعه‌ای جامع که آثار اثباتی و دفاعی آن را در نظام عدالت کیفری بررسی کند، کمتر دیده می‌شود. از این‌رو، تحقیق حاضر در پی آن است که با بهره‌گیری از منابع داخلی و مطالعات تطبیقی، جایگاه حقوقی این فناوری را تبیین و چالش‌های حقوقی و فنی آن را واکاوی کند. هدف نهایی، ارائه راهکارهای تقنینی و سیاستی برای بهره‌گیری مشروع، مؤثر و منطبق با اصول حقوق بشری از این ابزار فناورانه در نظام عدالت کیفری ایران است. اهمیت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که استفاده صحیح و قانونمند از لباس دوربین‌دار می‌تواند به ارتقای شفافیت، کاهش دعاوی بی‌اساس علیه پلیس، پیشگیری از رفتارهای غیرقانونی مأموران، و افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری بینجامد. همچنین، این ابزار نه تنها وسیله‌ای برای ثبت رویدادها، بلکه یک فناوری مدیریتی و نظارتی است که می‌تواند روابط پلیس با شهروندان را بهبود بخشیده و ارزیابی عملکرد مأموران توسط مافوق را بر پایه شواهد عینی و قابل اتکا ممکن سازد. ودرعین توجه به کارکردهای اثباتی و پیشگیرانه آن، مخاطرات و چالش‌های حقوقی ناشی از استفاده ناصحیح یا فاقد نظارت آن را نیز واکاوی نماید در نهایت، یافتن راه حلی برای ایجاد توازن میان اثر بخشی در اجرای عدالت و سیانت از حقوق بنیادین اشخاص است.

## ۲. بیان مسئله

فرآیند دادرسی کیفری زمانی می‌تواند عادلانه و اثربخش تلقی شود که از یک‌سو ادله به شیوه‌ای قانونی، معتبر و در عین حال منصفانه گردآوری گردد و از سوی دیگر، حقوق متهمان و شهروندان در تمامی مراحل رسیدگی مورد حمایت قرار گیرد. در دهه‌های اخیر، تحولات فناوری ابزارهای نوینی را در اختیار نظام‌های حقوقی قرار داده است که می‌توانند هم به ارتقای کیفیت کشف جرم و گردآوری ادله کمک کنند و هم سازوکاری برای تضمین حقوق بنیادین طرفین دعوا باشند.

اهمیت این ابزار از آن جهت است که تصاویر ضبط‌شده می‌توانند کارکردی دوگانه داشته باشند: از یک سو، به‌عنوان دلیل اثباتی در تأیید وقوع جرم، بازسازی صحنه یا اثبات ادعای مأموران مورد استفاده قرار می‌گیرند و از سوی دیگر، به‌عنوان دلیل دفاعی می‌توانند از حقوق متهم حمایت کرده، بی‌گناهی وی را نشان دهند یا تخلفات و سوءرفتار احتمالی مأموران را آشکار کنند. همین ویژگی دووجهی موجب شده است که در بسیاری از کشورها، استفاده از لباس دوربین‌دار نه تنها به کاهش

شکایات مردمی علیه پلیس و افزایش شفافیت منجر شود، بلکه اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری را نیز تقویت کند. با وجود این مزایا، در نظام حقوقی ایران چندین چالش و خلأ جدی در این زمینه وجود دارد.

نخست آن که هیچ مقرر صریح و جامعی در قانون آیین دادرسی کیفری و آیین‌نامه‌های اجرایی مرتبط درباره استفاده از لباس دوربین‌دار وجود ندارد. این امر سبب شده است که استفاده از این فناوری بیشتر به صورت پراکنده و غیرسیستماتیک صورت گیرد، بدون آنکه شرایط نصب، نحوه استفاده، مدت و شیوه نگهداری داده‌ها، و ضوابط ارزیابی قضایی آن‌ها به طور روشن مشخص شده باشد.

دومین چالش، فقدان استانداردهای دقیق برای زنجیره حفاظت از ادله<sup>۱</sup> است. در شرایطی که اصالت و تمامیت تصاویر ضبط‌شده تضمین نشود، احتمال تغییر، حذف یا دستکاری آن‌ها وجود خواهد داشت و این مسئله می‌تواند به تضعیف اعتماد قضات در پذیرش چنین ادله‌ای منجر گردد.

سومین معضل، تعارض میان استفاده از این تصاویر و حق بر حریم خصوصی شهروندان است. ضبط مستمر و بدون محدودیت تعاملات، در غیاب نظارت قانونی مستقل، می‌تواند به نقض آزادی‌های فردی و حقوق بنیادین اشخاص منجر شود. این تعارض بدون طراحی چارچوب‌های قانونی روشن و شفاف، هم پلیس را در معرض اتهام سوءاستفاده قرار می‌دهد و هم اعتماد عمومی به عدالت کیفری را تضعیف می‌سازد.

از سوی دیگر، ابهام در حدود قابلیت استناد قضایی تصاویر و نبود دستورالعمل‌های آموزشی برای مأموران و قضات در ارزیابی ادله تصویری، یکی دیگر از موانع جدی در مسیر بهره‌گیری صحیح از این فناوری است. در حالی که در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته، دستورالعمل‌های دقیق برای شرایط استفاده، ذخیره‌سازی، و حتی نحوه ارائه این تصاویر در دادگاه‌ها وجود دارد، در ایران چنین مقرراتی همچنان مغفول مانده است.

بنابراین، دغدغه اصلی این پژوهش در پاسخ به این پرسش شکل گرفته است که: جایگاه و آثار اثباتی و دفاعی تصاویر ضبط‌شده توسط لباس دوربین‌دار پلیس در نظام عدالت کیفری ایران چیست و چگونه می‌توان چارچوب حقوقی لازم برای بهره‌گیری مشروع و مؤثر از این فناوری را طراحی کرد؟ این تحقیق می‌کوشد با تکیه بر تحلیل تطبیقی و مطالعه تجربه‌های موفق دیگر کشورها، ضمن شناسایی خلأها و چالش‌های موجود در قوانین ایران، راهکارهایی تقنینی و عملی

برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های این ابزار در راستای تحقق عدالت کیفری و تضمین حقوق شهروندان ارائه نماید.

اهمیت این پژوهش از آن روست که فقدان چارچوب قانونی شفاف، نه تنها موجب بی‌اثر شدن ظرفیت‌های فناوری مذکور می‌شود، بلکه می‌تواند منجر به تضییع حقوق شهروندان، بی‌اعتبار شدن ادله در محاکم، و کاهش اعتماد عمومی به پلیس و دستگاه قضایی گردد. به بیان دیگر، مسئله این پژوهش صرفاً معرفی یک فناوری نوین نیست، بلکه تمرکز بر نقایص حقوقی و نهادینه‌سازی چارچوبی منسجم برای استفاده مشروع از آن در ایران است.

### ۳. پیشینه پژوهش

هر تحقیق علمی برای استحکام مفهومی و ترسیم چارچوب نظری خود، ناگزیر به بهره‌گیری از مطالعات پیشین است. بررسی پیشینه نه تنها به روشن شدن حدود و ثغور موضوع کمک می‌کند، بلکه از تکرار مسیرهای پیموده‌شده جلوگیری کرده و زمینه را برای نوآوری در پژوهش فراهم می‌سازد.

#### ۱.۳. منابع داخلی

مطالعات متعددی به بررسی نقش فناوری‌های نظارتی در نظام عدالت کیفری پرداخته‌اند که هر یک از زاویه‌ای خاص به آثار اثباتی و دفاعی تصاویر ضبط‌شده اشاره کرده‌اند.

صدری و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «کاربرد دوربین‌های مدار بسته در فرآیند رسیدگی کیفری و ارتباط آن با عدالت کیفری»، به بررسی نقش فزاینده فناوری‌های نظارتی در کشف جرم، شناسایی مرتکبان و ارائه ادله پرداخته‌اند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که تصاویر ضبط‌شده با کاهش خطای انسانی و تقویت صحت تحقیقات مقدماتی، موجب تسریع در روند رسیدگی و ارتقای دقت تصمیم‌گیری قضات می‌شوند. با این حال، پژوهش مذکور تمرکز اصلی خود را بر دوربین‌های ثابت مدار بسته نهاده و به‌طور خاص به «لباس دوربین‌دار پلیس» نپرداخته است.

نظری‌علوم و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «شناسایی متهمین جرایم جنایی و امنیتی با تأکید بر فناوری‌های نوین»، ضمن تبیین جایگاه فناوری در حوزه کشف جرم، بر ضرورت به‌روزرسانی دانش و تجهیزات پلیسی متناسب با تحولات فناورانه جهانی تأکید کرده‌اند. آنان فناوری‌های نوظهور را ابزار کلیدی برای ارتقای توان کشف و پیشگیری از جرم دانسته‌اند، اما به تحلیل حقوقی و اثباتی داده‌های تصویری در فرآیند دادرسی نپرداخته‌اند.

صالحی (۱۳۹۹) در مقاله «لباس دوربین‌دار پلیس و کارکرد حقوقی آن در نظام عدالت کیفری»، به صورت اختصاصی به این فناوری پرداخته و آن را ابزاری برای تقویت نظارت درون‌سازمانی، شفافیت عملکرد پلیس، و مستندسازی اقدامات مأموران در برابر مردم دانسته است. به باور وی، استفاده از این ابزار موجب افزایش اعتماد عمومی و ارتقای دقت گزارش‌های قضایی پلیس می‌شود.

ساریخانی (۱۳۹۷) نیز در مقاله «حقوق شهروندی متهم در تعامل پلیس در قانون آیین دادرسی کیفری»، ضمن بررسی مبانی حقوق متهم و ضابطان، بر رعایت عدالت کیفری و اصول دادرسی منصفانه تأکید کرده است. هرچند این پژوهش به مبانی تعامل پلیس و متهم پرداخته، اما به صورت مشخص، آثار حقوقی و اثباتی تصاویر ضبط‌شده در این تعامل را بررسی نکرده است.

### ۲.۳. منابع خارجی

تائه‌هو کیم (۲۰۲۵) نیز در مقاله «تسهیل اصلاحات پلیس: دوربین‌های بدن‌ساز، قتل‌های مرتبط با پلیس و پیامدهای اجرای قانون» منتشرشده در مجله اقتصاد عمومی<sup>۱</sup> دوربین‌های بدنه را به‌عنوان یکی از اصلاحات کلیدی برای بازگرداندن مشروعیت پلیس معرفی کرده است. یافته‌های او حاکی از آن است که هرچند دوربین‌های بدن‌ساز می‌توانند در برخی موقعیت‌ها استفاده از زور را کاهش دهند، اما آثار آن‌ها بر تغییرات ساختاری و فرهنگی در سازمان پلیس هنوز نیازمند بررسی تجربی بیشتری است.

هالفورد و وبستر (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان «استفاده از جت جی پی تی<sup>۲</sup> برای ارزیابی تهدیدات، ریسک و آسیب در پلیس» منتشرشده در مجله بین‌المللی حقوق، جرم و عدالت<sup>۳</sup> به کاربست هوش مصنوعی همه‌منظوره (GPAI) در تصمیم‌گیری‌های پلیسی پرداخته‌اند. این پژوهش با معرفی مدل تصمیم‌گیری THRIVE (تهدید، آسیب، ریسک، تحقیق، آسیب‌پذیری و تعامل)، نشان می‌دهد که فناوری‌های نوین مانند جت جی پی تی می‌توانند دقت ارزیابی تهدیدها و مدیریت خطر را در محیط‌های پلیسی افزایش دهند، هرچند به هدایت و نظارت گسترده برای کاربرد عملی نیاز دارند.

ویتفورد (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «روش‌های نظارت: شواهد حاصل از دوربین‌ها و دستگاه‌های ضبط در پلیس» که در مجله فصلنامه اطلاعات دولتی<sup>۴</sup> منتشر شده است، بیان می‌کنند که سازمان‌ها به‌طور فزاینده‌ای برای کاهش خطرات اخلاقی و سوءرفتار کارکنان، از فناوری‌های

1 . Journal of Public Economics

2 . ChatGPT

3 . International Journal of Law, Crime and Justice

4 . Government Information Quarterly

جمع‌آوری داده استفاده می‌کنند. در این میان، دوربین‌ها و دستگاه‌های ضبط‌کننده به‌عنوان حسگرهایی عمل می‌کنند که داده‌های متنوعی از پدیده‌های فیزیکی را جمع‌آوری و منتقل می‌نمایند. این مطالعه با تمرکز بر استفاده از دوربین‌ها در پلیس، نشان می‌دهد که فناوری‌های نظارتی نقش مهمی در ارتقای پاسخگویی و شفافیت عملکرد مأموران دارند.

ادوارد، رابینسون، جرال. ریچارد (۲۰۱۷) در فصل دوازدهم کتاب «عکاسی صحنه جرم: مسائل حقوقی مربوط به عکس‌ها و تصاویر دیجیتال»، به معیارهای حقوقی پذیرش تصاویر به‌عنوان دلیل در دادگاه پرداخته‌اند. به باور آنان، تصاویر تنها زمانی باید مورد پذیرش قرار گیرند که به کشف حقیقت کمک کنند و موجب تحریک هیجانات دادگاه یا هیئت منصفه نشوند. بدین ترتیب، استفاده از ادله تصویری در دادرسی، زمانی مشروع و مفید است که موجب ارتقای شفافیت و درک واقعی وقایع شود و نه جهت‌دهی غیرمنصفانه به نتیجه پرونده.

باوجود همه پژوهش‌هایی که در این موضوع صورت گرفته و علی‌رغم اینکه فناوری تصویری در نظام عدالت کیفری از دهه ۱۹۹۰ در حوزه مدیریت و سیاست‌گذاری عمومی مورد توجه بوده است اما کمتر حرکت جدی، هم در راستای تحقق شاخص‌های آن در ایران از سوی تصمیم‌گیران سیاسی صورت گرفته و هم اقدام درخوری در خصوص تبیین موضوع و بررسی تأثیر نخبگان سیاسی در حکمرانی خوب به عمل نیامده است.

به‌رغم گسترش ادبیات درباره کاربرد فناوری‌های تصویری در نظام عدالت کیفری، تاکنون پژوهشی که به‌صورت جامع، آثار اثباتی و دفاعی تصاویر ضبط‌شده توسط لباس دوربین‌دار را برای پلیس و متهم در بستر حقوقی ایران تحلیل کند، انجام نشده است. پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی درصدد پر کردن این خلأ پژوهشی است و یافته‌های خود را در چارچوب اصول عدالت کیفری و دادرسی منصفانه در ایران تبیین می‌نماید.

## ۴. مبانی نظری

### ۴.۱. جرم‌یابی

جرم‌یابی یا علم قانونی، شاخه‌ای میان‌رشته‌ای از علوم کیفری است که بر مبنای اصول علمی شیمی، فیزیک و زیست‌شناسی استوار بوده و با حوزه‌هایی چون پزشکی قانونی، مهندسی، ریاضیات و فناوری‌های نوین ارتباط تنگاتنگ دارد (سیدزاده ثانی، ۱۳۹۸: ۱۳). در واقع، جرم‌یابی مجموعه‌ای از دانش‌ها و روش‌های علمی است که برای کشف حقیقت و تحلیل شواهد فیزیکی در صحنه جرم به کار می‌رود. در تعریف کلاسیک، هانس گروس به عنوان یکی از بنیان‌گذاران علم جرم‌یابی، بر

استفاده از روش‌های تجربی و مستندسازی دقیق در کشف جرم تأکید داشته است. در دوران معاصر، با گسترش فناوری‌های دیجیتال و تصویری، دامنه‌ی علم جرم‌یابی توسعه یافته و شامل ابزارهای نوینی چون دوربین‌های بدن‌پوش، سامانه‌های پایش هوشمند و داده‌کاوی جنایی نیز می‌شود (بل، ۱۳۹۰: ۱۳). جرم‌یابی را می‌توان «مجموعه اقداماتی علمی و فنی» دانست که با هدف کشف جرم، شناسایی مرتکب، و بازسازی روند وقوع جرم صورت می‌گیرد. مراحل بررسی علمی صحنه جرم شامل: ۱. تشخیص و مستندسازی صحنه جرم، ۲. جمع‌آوری و حفظ ادله فنی و آزمایشگاهی، ۳. تجزیه و تحلیل و مقایسه یافته‌ها با مظنونان، و. بازسازی علمی صحنه جرم است (فخرز، ۱۳۹۴: ۲). به بیان دیگر، علم جرم‌یابی پلی میان علوم طبیعی و فرآیند دادرسی کیفری است و از یافته‌های تجربی برای اثبات یا ردّ ادعاها در فرآیند قضایی بهره می‌گیرد.

#### ۲.۴. متهم

در حقوق کیفری، متهم شخصی است که ظن ارتکاب جرم به او وارد شده ولی هنوز بزه‌کاری وی به اثبات نرسیده است. به عبارت دیگر، متهم کسی است که در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته و از سوی مقام تعقیب یا ضابطان قضایی به دلیل وجود قرائن و امارات، تحت پیگرد یا تحقیق قرار دارد (آخوندی اصل، ۱۳۸۶: ۴۳).

در ادبیات حقوقی، متهم یکی از ارکان اصلی دادرسی کیفری محسوب می‌شود و رعایت حقوق او، از جمله حق سکوت، حق دسترسی به وکیل، و حق برخورداری از دادرسی عادلانه، از الزامات اساسی نظام عدالت کیفری است. در نتیجه، متهم نه به‌عنوان مجرم، بلکه به‌عنوان «شخص مظنون» تلقی می‌شود تا زمانی که با ادله قانونی و متقن، جرم به او منتسب و در دادگاه صالح اثبات شود. این اصل، تجلی قاعده‌ی بنیادین برائت در نظام حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر است.

#### ۳.۴. فناوری‌های نوین

در سال‌های اخیر، استفاده از فناوری‌های نوین و نرم‌افزارهای هوشمند در فرآیند کشف جرم، به‌ویژه در نهادهای پلیسی و امنیتی در سراسر جهان، رشد چشمگیری داشته است. این روند، زمینه‌ساز شکل‌گیری مفهوم پلیس هوشمند<sup>۱</sup> شده است که هدف آن بهره‌گیری از داده‌های کلان، تحلیل آماری و الگوریتم‌های پیش‌بینی‌گر برای ارتقای کارآمدی در کشف و پیشگیری از جرم است (چان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶: ۲۴). مطالعات نشان می‌دهد که در ایالات متحده، الگوهای داده‌محور و تحلیلی نقش

1- Smart Policing

2- Chan

مهمی در پیش‌بینی مکان و زمان وقوع جرایم حتی پیش از وقوع آن‌ها ایفا کرده‌اند. این امر سبب شده است که فعالیت‌های پلیسی به سمت تحلیل داده‌های جنایی، شناسایی الگوهای جرم و استفاده از مدل‌های پیش‌بینی خطر سوق پیدا کند (کمپ<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶، ۱۵۵). افزون بر این، جمع‌آوری و پردازش داده‌ها توسط نهادهای پلیسی به یکی از ارکان اصلی عملیات روزمره آن‌ها بدل شده است. این تحول، ناشی از گرایش جهانی به پلیس مبتنی بر داده<sup>۲</sup> است که بر ذخیره‌سازی، تحلیل و کاربرد داده‌های کلان برای تصمیم‌گیری مؤثر و سریع در مواجهه با جرایم پیچیده و تهدیدات امنیتی تکیه دارد (ساندرز و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۲)<sup>۳</sup>. در نتیجه، رشد سریع حجم داده‌های دیجیتال، از جمله تصاویر، ویدیوها، پیام‌های شبکه‌های اجتماعی، داده‌های موقعیتی، سوابق تلفن و حتی اطلاعات بیومتریک، چالش‌های جدیدی برای تحلیلگران و نهادهای قضایی ایجاد کرده است (رچر و ویالن، ۲۰۱۸: ۶۳)<sup>۴</sup>. استفاده از فناوری‌هایی مانند تشخیص چهره خودکار، خوانش پلاک، تحلیل ویدئویی هوشمند و پردازش الگوریتمی داده‌ها توانسته است پلیس را از محدودیت‌های تحلیل ذهنی و دستی رها سازد و تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر شواهد را تقویت کند

#### ۴.۴. عدالت کیفری

عدالت، مفهومی بنیادی و اخلاقی است که بشر از آغاز تمدن خود به دنبال تحقق آن بوده است. در عرصه حقوق کیفری، عدالت به معنای توازن میان حقوق، منافع و تکالیف افراد در جامعه است که با وضع و اجرای قوانین کیفری به دنبال حفظ امنیت و جلوگیری از تجاوز به حقوق شهروندان می‌باشد. عدالت کیفری، به مجموعه اقدامات، قوانین و نهادهایی گفته می‌شود که در راستای تحقق عدالت از طریق کشف جرم، محاکمه منصفانه، صدور حکم عادلانه و اجرای مجازات‌ها فعالیت می‌کنند.

از منظر فلسفی، عدالت کیفری دارای دو بعد است: نخست، عدالت در قانونگذاری که مستلزم تدوین قوانین کیفری عادلانه است، و دوم، عدالت در اجرای قوانین که مستلزم اعمال صحیح و منصفانه قوانین در فرایند دادرسی کیفری است. به این معنا که بدون وجود قوانین عادلانه، اعمال مجازات نمی‌تواند منجر به تحقق عدالت شود.

1- Kemp et al

2- Data-Driven Policing

3- Saunders et al., 2018: 22

4- Bercher & Wialen, 2018

نظریه‌های مختلف فلسفه حقوق، کیفر و عدالت را به گونه‌های متنوعی توجیه کرده‌اند. برای مثال، کانت عدالت کیفری را با حسن ذاتی مجازات مرتبط می‌داند و معتقد است اعمال مجازات به خودی خود دارای ارزش است، نه فقط به عنوان وسیله‌ای برای پیشگیری یا دفاع از جامعه. این دیدگاه بر اهمیت اجرای دقیق عدالت در هر مرحله از فرایند کیفری تأکید دارد.

هدف نهایی عدالت کیفری، تحقق آرمان عدالت است که با حفظ حقوق افراد و جامعه، تضمین دادرسی منصفانه، و مجازات عادلانه مجرمان محقق می‌شود. این هدف شامل تمامی مراحل کیفری از کشف جرم و تعقیب تا صدور حکم و پس از آن نیز می‌شود، به طوری که حقوق متهم و بزه‌دیده در تمامی مراحل به دقت رعایت شود.

در نظام عدالت کیفری ایران، اهمیت عدالت کیفری همواره مورد تأکید قرار گرفته است، اما چالش‌هایی مانند ناکافی بودن قوانین دقیق، اجرای نامتوازن احکام و نبود ابزارهای شفافیت و پاسخگویی، موجب بروز خلأهایی در تحقق کامل عدالت شده‌اند. از این منظر، فناوری‌های نوین مانند لباس دوربین‌دار پلیس، به عنوان ابزارهایی برای افزایش شفافیت و تضمین حقوق طرفین، می‌توانند نقش مهمی در تقویت عدالت کیفری ایفا کنند.

#### ۴ . ۵ . مفهوم و جایگاه ادله تصویری در نظام عدالت کیفری

ادله تصویری، شامل تصاویر، ویدئوها و داده‌های دیجیتال است که به‌عنوان مصدیقی از ادله الکترونیک، در کشف حقیقت و فرآیند دادرسی نقش مؤثری دارد. در ایران، قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸) پذیرش ادله الکترونیک را به رسمیت شناخته‌اند (ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری).

ماهیت عینی و قابلیت بازبینی این ادله، آن‌ها را نسبت به شهادت یا اقرار کمتر در معرض خطا و تحریف ذهنی قرار می‌دهد. با این حال، پذیرش آن‌ها در دادگاه منوط به رعایت اصالت، صحت جمع‌آوری و حفظ زنجیره حفاظت از ادله است.

#### ۴ . ۵ . ۱ . لباس دوربین‌دار پلیس: تعریف و کارکردها

لباس دوربین‌دار پلیس نوعی ابزار دیجیتال است که معمولاً روی سینه یا شانه مأمور نصب می‌شود و امکان ضبط همزمان تصویر و صدا را در حین مأموریت فراهم می‌کند. این فناوری آثار چندوجهی دارد که می‌توان آن‌ها را در سه دسته اصلی تقسیم‌بندی کرد:

۱. کارکرد اثباتی: کمک به تأیید وقوع جرم یا رد ادعاها

۲. کارکرد بازدارنده: پیشگیری از تخلف یا خشونت مأمور یا شهروند

### ۳. کارکرد آموزشی و نظارتی: استفاده در ارزیابی عملکرد مأموران

تحقیقات بین‌المللی نشان داده‌اند که تصاویر لباس دوربین‌دار در کاهش شکایات علیه پلیس و افزایش نرخ محکومیت نقش مؤثری دارند. در ایران نیز ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری، ارزش اثباتی ادله الکترونیک را مشروط بر تأیید اصالت آن‌ها دانسته است. همچنین، این تصاویر می‌توانند کارکرد دفاعی داشته و متهم را در برابر رفتار غیرقانونی مأموران حمایت کنند؛ موضوعی که با اصول دادرسی منصفانه و اصل برائت در قانون اساسی ایران و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی همسو است.

### ۴. ۵. ۲. چالش‌های حقوقی و اخلاقی

مطالعات تطبیقی و داخلی نشان می‌دهند که مهم‌ترین چالش‌ها عبارتند از:

۱. تعارض با حریم خصوصی شهروندان

۲. امکان دستکاری یا حذف داده‌ها

۳. ابهام در مدت و شیوه نگهداری تصاویر

۴. نبود رویه قضایی یکنواخت در پذیرش ادله

در ایران، این چالش‌ها به دلیل فقدان دستورالعمل‌های ملی و استانداردهای فنی، شدت بیشتری دارند و می‌توانند به بی‌اعتباری ۵. مرور تطبیقی معیارهای پذیرش ادله تصویری

#### • نظام حقوقی ایران

پذیرش ادله تصویری مشروط به رعایت اصول ادله الکترونیک و اصالت آن‌ها است. فقدان دستورالعمل‌های دقیق، موجب تشتت رویه قضایی شده است.

#### • نظام حقوقی ایالات متحده

ادله تصویری باید قابل تصدیق و مرتبط با موضوع باشد و از تغییر یا دستکاری در طول جمع‌آوری و نگهداری مصون بماند. مقررات ایالتی درباره حفظ حریم خصوصی و اجازه ضبط متفاوت است.

#### • نظام حقوقی آلمان

اصول مدون و دقیق برای جمع‌آوری و پذیرش ادله تصویری تدوین شده است. رعایت حقوق مدنی، حفاظت از حریم خصوصی و الزامات فنی برای حفظ اصالت داده‌ها در اولویت قرار دارد.

در نهایت می توان گفت ادبیات داخلی و بین‌المللی تأکید می کند که لباس دوربین دار پلیس ابزار دووجهی است. از یک سو، وسیله‌ای قدرتمند برای اثبات حقیقت و تقویت ادعاهای پلیس و از سوی دیگر، ابزار مؤثر برای دفاع از حقوق متهم و تضمین شفافیت عملکرد پلیس. لذا تحقق کامل این کارکردها نیازمند چارچوب حقوقی شفاف، استانداردهای فنی دقیق و آموزش مستمر مأموران و قضات است.

جدول شماره ۱: مقایسه تطبیقی معیارهای پذیرش ادله تصویری در ایران، آمریکا و آلمان

معیارها / کشورها	ایران	آمریکا	آلمان
چارچوب قانونی	قانون آیین دادرسی کیفری (ماده ۶۰)	قوانین فدرال در مورد شواهد و قوانین ایالتی	قوانین مدون کیفری و حقوق مدنی
اصالت و اعتبار	اصالت و صحت با رعایت زنجیره حفاظت	نیاز به تأیید اصالت و عدم دستکاری	رعایت اصول قانونی و الزامات فنی
رعایت حریم خصوصی	با چالش‌های قانونی و نبود دستورالعمل	قوانین متنوع ایالتی و فدرال در حفظ حریم خصوصی	حفظ شدید حقوق مدنی و قوانین سختگیرانه‌تر
پذیرش در دادگاه	مشروط به اثبات اصالت و عدم تحریف	نیاز به تصدیق و مرتبط بودن به موضوع	مشروط به رعایت دقیق قانون و اصول قانونی
چالش‌های عملی	نبود دستورالعمل‌های جامع، تشتت رویه	پیچیدگی‌های متنوع ایالتی و فدرال	محدودیت‌های قانونی سختگیرانه‌تر

## ۵. روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت، توصیفی - تحلیلی با رویکرد حقوقی - میان‌رشته‌ای است. هدف اصلی آن، تبیین جایگاه و کارکرد دوگانه تصاویر ضبط‌شده در فرآیند عدالت کیفری ایران به‌عنوان ادله اثباتی و دفاعی است. از منظر روش‌شناختی، پژوهش حاضر از الگوی کیفی پیروی می‌کند، زیرا تمرکز آن بر تحلیل مفاهیم، تفسیر متون حقوقی و استنباط اصول حاکم بر عدالت کیفری است، نه بر سنجش آماری متغیرها.

قلمرو مکانی پژوهش، نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران است و برای مقایسه تطبیقی، از نظام‌های حقوقی ایالات متحده و آلمان نیز بهره گرفته شده است. داده‌های تحقیق به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل فیش‌برداری نظام‌مند از منابع حقوقی، رویه‌های قضایی، اسناد رسمی، مقالات علمی داخلی و بین‌المللی، و گزارش‌های نهادهای

مرتبط با عدالت کیفری است. برای افزایش دقت گردآوری داده‌ها، از پروتکل تحلیل اسناد و چک‌لیست ارزیابی محتوای حقوقی استفاده شده است.

در این پژوهش، به دلیل ماهیت کیفی داده‌ها، جامعه آماری به معنای آماری آن وجود ندارد. با این حال، افراد مشارکت‌کننده شامل ۱۰ نفر از متخصصان حوزه حقوق کیفری و آیین دادرسی، و نیز سه نفر از کارشناسان پلیس فتا و فناوری‌های نظارتی بوده‌اند که به صورت هدفمند برای مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته انتخاب شدند. انتخاب این افراد بر اساس تجربه حرفه‌ای، سابقه علمی و ارتباط مستقیم با موضوع تحقیق انجام گرفته است.

روایی ابزار گردآوری داده‌ها از طریق بررسی محتوایی توسط سه نفر از استادان خبره در حوزه حقوق کیفری و روش‌شناسی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای تأیید گردید. همچنین برای پایایی داده‌ها از روش بازبینی مجدد و مرور هم‌تایان استفاده شد تا از ثبات و دقت در طبقه‌بندی و استخراج داده‌ها اطمینان حاصل شود.

در نهایت، یافته‌ها بر پایه تلفیق داده‌های حقوقی، تجربی و مصاحبه‌ای و با استفاده از روش استدلالی و تطبیقی تفسیر گردیدند تا تصویری جامع از جایگاه حقوقی، چالش‌های اثباتی و قابلیت‌های دفاعی تصاویر ضبط شده در نظام عدالت کیفری ایران ارائه شود.

## ۶. نحوه استفاده از دوربین در قوانین و مقررات ایران

با گسترش فناوری‌های تصویربرداری و ضرورت استفاده از آنها در حوزه‌های امنیتی و قضایی، مقررات مربوط به نصب و بهره‌برداری از دوربین‌های مداربسته و دوربین‌های ضبط تصاویر، به ویژه در اماکن عمومی، اهمیت ویژه‌ای یافته است. در این بخش، به بررسی چارچوب حقوقی و مقررات حاکم بر استفاده از دوربین‌ها در ایران پرداخته می‌شود.

### ۶.۱. نصب دوربین در اماکن عمومی و اطلاع‌رسانی

نصب دوربین‌های مداربسته در مکان‌های عمومی که محل عبور و مرور جمعی از افراد است مانند فروشگاه‌ها، مراکز خرید، بزرگراه‌ها، و سالن‌های همایش، به طور کلی ممنوع نیست و در بسیاری موارد به منظور ارتقای امنیت عمومی مجاز شناخته شده است. البته، اماکنی که به دلایل امنیتی حساس‌تر هستند مانند مراکز نظامی، سفارت‌خانه‌ها و برخی ساختمان‌های دولتی، طبق مقررات مربوط، نصب دوربین در آنها محدود یا ممنوع است.

با این حال، در صورتی که دوربینی در محیطی نصب می‌شود که افراد ساکن یا عبوری حضور دارند، اطلاع‌رسانی به آنها ضروری است. این اطلاع‌رسانی معمولاً از طریق نصب تابلوهای هشداردهنده مبنی بر وجود دوربین مداربسته انجام می‌شود تا افراد از ضبط تصاویر خود مطلع باشند. همچنین، دوربین نصب‌شده نباید به نحوی باشد که به اماکن خصوصی مجاور مانند ساختمان‌های مسکونی یا دفاتر کار اشراف داشته باشد و موجب نقض حریم خصوصی افراد شود.

## ۲.۶. مبانی قانونی در قانون اساسی و سایر قوانین

قوانین اساسی و موضوعی کشور، چارچوب اصلی تنظیم و محدودیت استفاده از فناوری‌های تصویربرداری را تعیین می‌کنند. مهم‌ترین مقررات مرتبط عبارت‌اند از:

- اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون». این اصل بیانگر ممنوعیت تجسس و استراق سمع بدون حکم قانونی است و استفاده از ابزارهای تصویربرداری مانند دوربین‌ها باید با رعایت قوانین و مجوزهای مربوط صورت گیرد.
- اصل ۲۲ قانون اساسی: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». این اصل به حفظ حرمت و حیثیت اشخاص تاکید دارد و نصب دوربین نباید موجب تجاوز به حقوق شهروندان و نقض حریم خصوصی آنها گردد.
- ماده ۴۱ منشور حقوق شهروندی: «کنترل‌های صوتی و تصویری خلاف قانون در محیط‌های کار، اماکن عمومی، فروشگاه‌ها و سایر محیط‌های ارائه خدمت به عموم، ممنوع است». این ماده نصب دوربین را مشروط به رعایت قوانین و حفظ حقوق افراد می‌کند.
- مواد ۱۲۵۸ قانون مدنی و ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲): این مواد نیز به موضوع تجاوز به حقوق افراد، نقض حریم خصوصی و سوءاستفاده از ابزارهای نظارتی اشاره دارند و ضمانت اجرای قانونی برای تخلفات مربوط تعیین کرده‌اند.

## ۳.۶. کاربردهای نیروهای انتظامی و ضابطان قضایی

نیروهای انتظامی و ضابطان قضایی به منظور پیشگیری و کشف جرم، تأمین امنیت و نظارت بر اجرای قوانین، مجاز به استفاده از ابزارهای مختلف از جمله دوربین‌های مداربسته و لباس‌های دوربین‌دار هستند. با این وجود، بهره‌برداری از این فناوری‌ها باید در چارچوب قوانین جاری، رعایت

حقوق شهروندان، و با اخذ مجوزهای لازم صورت گیرد. استفاده صحیح و قانونی از دوربین‌ها می‌تواند به ارتقای شفافیت، پاسخگویی و اعتماد عمومی کمک کرده و از وقوع تخلفات و سوءاستفاده‌های احتمالی جلوگیری کند. از طرف دیگر، عدم رعایت ضوابط حقوقی و تجاوز به حریم خصوصی ممکن است منجر به بطلان ادله جمع‌آوری شده و تضییع حقوق افراد شود.

نتیجه اینکه با توجه به اهمیت و کاربرد روزافزون فناوری‌های تصویربرداری در نظام عدالت کیفری و امنیت عمومی، تدوین قوانین و مقررات شفاف و جامع برای استفاده از دوربین‌ها ضروری است. این قوانین باید تعادل مناسب میان امنیت جامعه و حفظ حقوق شهروندی برقرار کنند و ضوابط لازم برای نصب، استفاده، نگهداری و ارائه تصاویر ضبط شده را مشخص سازند.

## ۷. تاثیر لباس دوربیندار بر بهبود تنظیم گزارشهای پلیس قضایی

ضابطان دادگستری به‌عنوان بازوی اجرایی دستگاه عدالت کیفری، نقش کلیدی در فرایند کیفری و به‌ویژه مرحله کشف جرم دارند. کیفیت گزارش‌های تنظیم شده توسط این ضابطان، تأثیر مستقیمی بر روند رسیدگی قضایی و تأمین حقوق شهروندی دارد (ساریخانی، ۱۳۹۷: ۱۸۱). با این حال، در عمل مشاهده می‌شود که گزارش‌های مکتوب، به دلیل محدودیت‌های انسانی، ممکن است ناقص، جانبدارانه یا فاقد جامعیت لازم باشند.

در این چارچوب، فناوری لباس دوربیندار پلیس به‌عنوان یک ابزار نوین، امکان ضبط دقیق، بی‌طرفانه و مستند صوت و تصویر از وقایع میدانی را فراهم می‌کند که می‌تواند جایگزینی مطمئن و مکمل برای گزارش‌های سنتی باشد. این فناوری با کاهش خطاهای انسانی، احتمال تحریف یا حذف اطلاعات مهم را کاهش داده و به قاضی امکان بررسی واقعیت‌های عینی را می‌دهد.

مطالعات تطبیقی نشان داده است که استفاده از لباس دوربیندار موجب افزایش شفافیت و پاسخگویی ضابطان می‌شود و در کاهش شکایات بی‌اساس علیه مأموران پلیس مؤثر است. علاوه بر این، ضبط تصویری مستمر امکان ارزیابی عینی عملکرد ضابطان توسط مافوق‌ها را فراهم می‌آورد و مانع از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای یا جانبدارانه می‌شود.

یکی از چالش‌های رایج در گزارش‌های مکتوب، آشنایی ناکافی ضابطان با قوانین ماهوی و شکلی است که ممکن است موجب نقص در تنظیم گزارش شود. در این زمینه، وجود فیلم و صوت ضبط شده می‌تواند ضعف‌های احتمالی گزارش مکتوب را جبران و اعتبار آن را تقویت کند. به ویژه در شرایط عملیاتی پیچیده نظیر ورود به محل اختفاء، دستگیری با مقاومت یا برخوردهای فیزیکی، اطلاعات تصویری، امکان درک بهتر و عادلانه‌تر وقایع را برای مقام قضایی فراهم می‌سازد.

در نهایت، به کارگیری لباس دوربین‌دار علاوه بر بهبود کیفیت گزارش‌ها، موجب افزایش شفافیت، ارتقای اعتماد عمومی به دستگاه انتظامی و تقویت سازوکارهای نظارتی داخلی سازمان پلیس می‌شود. این فناوری می‌تواند نقش مؤثری در افزایش بهره‌وری نظام قضایی و انتظامی و تحقق عدالت کیفری ایفا کند.

## ۸. مفهوم و اهمیت فناوری لباس دوربین‌دار پلیس در نظام عدالت کیفری

فناوری لباس دوربین‌دار پلیس<sup>۱</sup> به عنوان یکی از نوین‌ترین ابزارهای دیجیتال در حوزه انتظامی و قضایی، امکان ضبط همزمان تصویر و صوت از تعاملات مأموران پلیس با شهروندان را فراهم می‌کند. این فناوری، ضمن ثبت دقیق و مستند وقایع میدانی، نقشی کلیدی در تضمین شفافیت، پاسخگویی و عدالت در فرایندهای کیفری ایفا می‌نماید.

از منظر حقوقی، اهمیت این فناوری در نظام عدالت کیفری ایران با توجه به اصول و مقررات مرتبط قابل تبیین است. بر اساس ماده ۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری، ادله الکترونیک از جمله تصاویر ضبط‌شده توسط دوربین‌های دیجیتال قابل استناد در دادگاه‌ها شناخته شده‌اند، مشروط بر آنکه اصالت و صحت فرایند جمع‌آوری و حفظ آنها تضمین شود. همچنین، این فناوری با تقویت جایگاه ادله عینی و قابل استناد، می‌تواند به کاهش وابستگی صرف به شهادت و اقرار، که ممکن است متأثر از خطا یا تحریف باشد، کمک کند. از سوی دیگر، با توجه به اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که بر حفظ حیثیت، جان، مال و حقوق افراد تأکید دارد، استفاده از لباس دوربین‌دار می‌تواند از یک سو حقوق متهمان و شهروندان را در برابر رفتارهای غیرقانونی مأموران حفظ کند و از سوی دیگر، پاسخگویی و نظارت بر عملکرد ضابطان دادگستری را تسهیل نماید. همچنین، این فناوری با فراهم آوردن مستندات دقیق، می‌تواند در تضمین حق دفاع متهم و تحقق دادرسی منصفانه، منطبق با ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، موثر باشد. بنابراین، لباس دوربین‌دار پلیس به عنوان یک ابزار فناورانه و حقوقی، ظرفیت قابل توجهی برای ارتقای عدالت کیفری، کاهش تخلفات و افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی فراهم می‌آورد، مشروط بر اینکه چارچوب‌های قانونی و فنی لازم برای استفاده صحیح و حفظ حقوق شهروندان تدوین و رعایت شود.

## ۹. جایگاه و کارکردهای اثباتی و دفاعی تصاویر ضبط‌شده توسط فناوری لباس دوربین‌دار پلیس

### ۹.۱. جایگاه تصاویر ضبط‌شده

تصاویر ضبط‌شده توسط لباس دوربین‌دار پلیس، به‌عنوان نوعی ادله الکترونیک و تصویری، در نظام عدالت کیفری جایگاهی ویژه دارند. این نوع ادله به دلیل ماهیت عینی و مستند خود، قادرند فراتر از اظهارات شفاهی یا مکتوب، وقایع را به‌صورت دقیق و بی‌طرفانه ثبت کنند. در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران (ماده ۶۰)، پذیرش ادله تصویری منوط به اصالت، صحت فرایند جمع‌آوری و رعایت زنجیره حفاظت از ادله است که زمینه‌ساز اعتبار حقوقی این تصاویر در مراجع قضایی می‌باشد.

### ۹.۲. کارکردهای اثباتی

تصاویر ضبط‌شده توسط لباس دوربین‌دار، نقش مهمی در اثبات جرم و وقایع مرتبط دارند. این تصاویر می‌توانند به عنوان شواهد عینی و قابل استناد، در تأیید اظهارات ضابطان، شاهدان یا حتی متهمان مورد استفاده قرار گیرند و به بازسازی دقیق صحنه جرم کمک کنند. در بسیاری از نظام‌های حقوقی پیشرفته، این فناوری موجب افزایش دقت و عدالت در قضاوت‌ها شده و میزان خطا و تحریف در روند دادرسی را کاهش می‌دهد. به‌علاوه، تصاویر ضبط‌شده می‌توانند از صدور احکام ناعادلانه یا سوءاستفاده‌های احتمالی از قدرت جلوگیری کنند و بدین ترتیب، موجب ارتقای اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری گردند.

### ۹.۳. کارکردهای دفاعی

در مقابل، این تصاویر نقش کلیدی در حمایت از حقوق متهم و شهروندان نیز ایفا می‌کنند. تصاویر ضبط‌شده می‌توانند از متهم در برابر رفتارهای غیرقانونی، خشونت یا تبعیض مأموران حفاظت کنند و حق دفاع متهم را در فرایند دادرسی تقویت نمایند. از منظر حقوق بشر و اصول دادرسی منصفانه، امکان ارائه مستندات عینی به دفاع، تضمین‌کننده تعادل میان حقوق فردی و منافع عمومی است. این امر در قوانین ایران، به ویژه در چارچوب اصول قانون اساسی و میثاق‌های بین‌المللی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

#### ۹. ۴. چالش‌ها و ضرورت تنظیم چارچوب حقوقی:

اگرچه تصاویر لباس دوربین‌دار کارکردهای اثباتی و دفاعی ارزشمندی دارند، اما نبود قوانین شفاف، استانداردهای فنی مشخص و رویه‌های قضایی یکپارچه در ایران، استفاده بهینه و منصفانه از این فناوری را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته است. بنابراین، تدوین قوانین دقیق در خصوص نحوه ضبط، نگهداری، دسترسی و استفاده از این تصاویر، ضرورت انکارناپذیری برای تضمین حقوق تمامی طرفین پرونده و ارتقای عدالت کیفری است. در مجموع، تصاویر ضبط‌شده توسط فناوری لباس دوربین‌دار پلیس، ابزاری دو سویه و قدرتمند در نظام عدالت کیفری محسوب می‌شوند که می‌توانند هم به اثبات جرم و هم به دفاع از حقوق متهمان کمک کنند، مشروط بر آنکه چارچوب‌های قانونی و اجرایی مناسب برای بهره‌برداری از آنها فراهم گردد.

#### ۱۰. چالش‌ها و موانع حقوقی و فنی بهره‌گیری از فناوری لباس دوربین‌دار پلیس در

##### ایران

با وجود مزایای چشمگیر فناوری لباس دوربین‌دار پلیس در بهبود شفافیت، پاسخگویی و اثربخشی نظام عدالت کیفری، بهره‌گیری از این ابزار در ایران با چالش‌ها و موانع متعددی مواجه است که می‌تواند محدودکننده اثربخشی آن باشد:

۱. نبود چارچوب قانونی و مقررات مشخص: قوانین جامع و شفاف درباره شرایط ضبط، نگهداری، دسترسی، استفاده و ارائه تصاویر ضبط‌شده به عنوان ادله در دادگاه‌ها هنوز تدوین نشده‌اند. این امر باعث ابهام در پذیرش قانونی این داده‌ها و احتمال سوءاستفاده از آن می‌شود.

۲. محدودیت‌های حفاظت از حریم خصوصی: عدم وجود دستورالعمل‌های دقیق برای تضمین رعایت حریم خصوصی شهروندان هنگام ضبط تصاویر، نگرانی‌هایی را درباره نقض حقوق افراد و امکان استفاده نادرست از داده‌ها به وجود آورده است.

۳. ضعف در استانداردهای فنی و امنیت داده‌ها: فناوری لباس دوربین‌دار نیازمند تجهیزات استاندارد، تضمین امنیت اطلاعات و زنجیره حفاظت از ادله است که در حال حاضر با کمبودها و نقصان‌هایی مواجه است.

۴. کمبود آموزش تخصصی: عدم آموزش کافی مأموران پلیس و قضات در خصوص استفاده صحیح، تحلیل و تفسیر شواهد تصویری موجب کاهش کیفیت بهره‌برداری از این فناوری می‌شود.

۵. موانع قضایی و رویه‌های ناهماهنگ: عدم وجود رویه قضایی یکپارچه در پذیرش و اعتبارسنجی تصاویر ضبط شده باعث صدور آراء متفاوت و گاه متضاد شده و منجر به تشتت در روند دادرسی می‌گردد.

۶. چالش‌های فرهنگی و سازمانی: مقاومت در برابر تغییرات فناوری، ترس از نظارت و افزایش پاسخگویی در درون ساختارهای انتظامی و قضایی از دیگر موانع مهم به شمار می‌روند.

برای رفع این موانع، لازم است قانون‌گذاری جامع، تدوین دستورالعمل‌های فنی و اخلاقی، آموزش تخصصی و ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل در دستور کار قرار گیرد تا ظرفیت کامل فناوری لباس دوربین‌دار پلیس در خدمت عدالت کیفری قرار گیرد.

## ۱۱. تأثیر استفاده از لباس دوربین‌دار پلیس بر بهبود تنظیم گزارش‌های ضابطان و

### افزایش شفافیت و پاسخگویی مافوق‌ها

لباس دوربین‌دار پلیس به‌عنوان یک فناوری نوین، نقش مهمی در ارتقای دقت، جامعیت و صحت گزارش‌های ضابطان دادگستری ایفا می‌کند. با ضبط همزمان تصویر و صدا از صحنه‌های عملیاتی و تعاملات مأموران با شهروندان، این فناوری امکان ثبت وقایع به‌صورت مستند، عینی و بدون تحریف را فراهم می‌آورد. این امر موجب کاهش خطاها و سوگیری‌های احتمالی در گزارش‌های مکتوب می‌شود که اغلب به دلیل برداشت‌های شخصی، فشارهای سازمانی یا محدودیت‌های حافظه رخ می‌دهد. گزارش‌هایی که همراه با داده‌های تصویری مستند شوند، مبنایی قابل اعتمادتر و مستدل‌تر برای تصمیم‌گیری‌های قضایی و اداری فراهم می‌کنند. از سوی دیگر، تصاویر ضبط شده ابزار مؤثری برای نظارت و ارزیابی عملکرد ضابطان توسط مافوق‌ها هستند. این امکان باعث افزایش شفافیت در روند ارزیابی و کاهش احتمال اعمال سلیقه‌های شخصی یا قضاوت‌های ناعادلانه می‌شود. بازبینی و تحلیل این تصاویر توسط مافوق‌ها نه تنها به شناسایی نقاط قوت و ضعف عملکرد مأموران کمک می‌کند، بلکه زمینه‌ساز بهبود رویه‌ها، آموزش هدفمند و افزایش پاسخگویی در سازمان می‌گردد. لذا استفاده از لباس دوربین‌دار موجب ارتقای کیفیت گزارش‌دهی ضابطان، تسهیل رسیدگی به شکایات و دعاوی، و تقویت نظام پاسخگویی و نظارت درون‌سازمانی می‌شود که همگی از ارکان حیاتی تحقق عدالت کیفری و اعتماد عمومی به نظام قضایی به شمار می‌آیند.

## ۱۲. جمع بندی

## ۱۲.۱. بحث

یافته‌های پژوهش حاضر تأکید می‌کند که استفاده از لباس دوربین‌دار پلیس به عنوان فناوری نوین و تخصصی، تغییرات بنیادینی در فرایندهای عدالت کیفری در ایران ایجاد کرده است. این فناوری با ضبط مستمر و لحظه‌ای تعاملات میان پلیس و شهروندان، موجب افزایش شفافیت، پاسخگویی و کاهش تعارضات و شکایات بی‌اساس شده است. این نتایج با مطالعات بین‌المللی نظیر گزارش‌های وزارت دادگستری آمریکا و تحقیقات اروپایی هماهنگ است که نشان می‌دهد لباس دوربین‌دار نقش بسزایی در ارتقای اعتماد عمومی و عدالت کیفری ایفا می‌کند. از منظر حقوقی، تصاویر و ویدئوهای ضبط شده جایگاه ویژه‌ای به عنوان ادله الکترونیک یافته‌اند که در تقابل با محدودیت‌ها و جانبداری‌های احتمالی گزارش‌های مکتوب ضابطان، امکان تصمیم‌گیری دقیق‌تر و منصفانه‌تر قضات را فراهم می‌آورند. این یافته‌ها با اصول پذیرفته شده در حقوق تطبیقی همخوانی دارد، جایی که معیارهایی مانند اصالت، صحت جمع‌آوری و حفظ زنجیره نگهداری ادله به عنوان شرط پذیرش مدنظر قرار می‌گیرند.<sup>۱</sup> در این راستا، نبود چارچوب قانونی مشخص در ایران، چالشی اساسی است که بهره‌برداری کامل و صحیح از این فناوری را محدود می‌سازد. یکی از نکات برجسته پژوهش، نقش دوگانه لباس دوربین‌دار در حمایت همزمان از حقوق متهم و پاسخگویی ضابطان است که موجب تعادل میان تضمین امنیت عمومی و رعایت حقوق فردی می‌شود. این تعادل با اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تعهدات بین‌المللی در حوزه حقوق بشر، به ویژه حق دادرسی عادلانه (ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی) و اصل برائت، همسویی دارد. از این منظر، فناوری مذکور می‌تواند موجب کاهش تخلفات مأموران و تضمین احقاق حقوق قانونی متهمان گردد. با توجه به پیچیدگی روزافزون جرایم و ماهیت فناوری‌محور آن‌ها، تجهیز ضابطان به ابزارهای نوین مستندسازی به عنوان یک ضرورت استراتژیک برای ارتقای عدالت کیفری و افزایش کارآمدی نظام کیفری در ایران مطرح می‌شود. این ضرورت، نه تنها به بهبود کیفیت کشف جرم کمک می‌کند، بلکه موجب تقویت اعتماد عمومی به نظام قضایی و انتظامی خواهد شد. در نهایت، تبیین و تدوین مقررات دقیق و استانداردهای فنی و قضایی برای استفاده از لباس دوربین‌دار، گامی اساسی در جهت تضمین حقوق طرفین دعوا و تحقق عدالت کیفری است.

## ۱.۱۲. نتیجه

این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که لباس دوربین‌دار پلیس، به‌عنوان ابزاری فناورانه و نوین، توانمندی و ظرفیت قابل‌توجهی در افزایش کارآمدی نظام عدالت کیفری دارد و می‌تواند به‌عنوان شاهدهی بی‌طرف، دقیق و معتبر در فرایند کشف حقیقت به‌کار گرفته شود. این فناوری نه‌تنها شفافیت عملکرد ضابطان را افزایش می‌دهد، بلکه امکان نظارت مستمر و دقیق مافوق بر رفتار مأموران را فراهم کرده و در نتیجه موجب ارتقای پاسخگویی و کاهش تخلفات می‌شود. از سوی دیگر، استفاده از این ابزار، به متهم و شهروندان فرصت دفاع مؤثر و مستند می‌دهد که نقش محوری در تضمین عدالت کیفری ایفا می‌کند. با این وجود، نبود چارچوب قانونی مشخص و رویه‌های قضایی هماهنگ، بهره‌گیری از این فناوری را با چالش‌های مهمی مواجه ساخته که می‌تواند منجر به تضییع حقوق افراد و پیچیدگی در روند دادرسی شود. همچنین، رعایت کامل موازین حریم خصوصی و تضمین جلوگیری از سوءاستفاده از داده‌های ضبط‌شده باید به‌عنوان اصول بنیادین و غیرقابل‌گذشت در استفاده از لباس دوربین‌دار مورد توجه قرار گیرد. تصاویر ضبط‌شده توسط این فناوری، هم نقش اثباتی در تأیید وقوع جرم و بازسازی صحنه‌های کیفری ایفا می‌کنند و هم نقش دفاعی در حمایت از حقوق متهمان و جلوگیری از رفتارهای غیرقانونی مأموران دارند. این ویژگی دووجهی، امکان تحقق دادرسی منصفانه و شفافیت در عملکرد ضابطان را فراهم می‌کند و به افزایش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری منجر می‌شود. با این حال، بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های این فناوری در ایران با چالش‌های مهمی مواجه است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: نبود چارچوب قانونی جامع و مشخص برای ضبط، نگهداری و استفاده از داده‌ها؛ محدودیت در حفاظت از حریم خصوصی شهروندان؛ ضعف استانداردهای فنی و امنیتی تجهیزات؛ و کمبود آموزش تخصصی برای مأموران و قضات در تحلیل و استفاده از شواهد تصویری. این موانع می‌توانند اعتبار و قابلیت استناد تصاویر ضبط‌شده را تحت تأثیر قرار داده و کارکرد حقوقی لباس دوربین‌دار را محدود کنند. در نهایت می‌توان گفت، لباس دوربین‌دار پلیس می‌تواند نقش مهمی در افزایش شفافیت، پاسخگویی، پیشگیری از تخلفات و تقویت حقوق شهروندی ایفا کند، مشروط بر آنکه چارچوب‌های قانونی، فنی و آموزشی لازم برای استفاده از آن فراهم شود. این فناوری، با تحقق تعادل میان کارآمدی نظام عدالت کیفری و حفظ حقوق بنیادین شهروندان، می‌تواند به توسعه عدالت کیفری و افزایش اعتماد عمومی کمک شایانی نماید.

## ۱۲. ۳. پیشنهادات

- ۱- تدوین و تصویب قوانین و مقررات جامع و دقیق در خصوص شرایط ضبط، نگهداری، استفاده و پذیرش داده‌های تصویری ضبط‌شده توسط لباس دوربین‌دار، به منظور تضمین شفافیت و حفظ حقوق همه طرف‌های درگیر.
- ۲- تعیین استانداردهای فنی و آموزشی ویژه مأموران پلیس و قضات برای استفاده صحیح و تحلیل دقیق و منصفانه شواهد تصویری، تا از بروز خطا و سلیقه‌گرایی جلوگیری شود.
- ۳- ایجاد سازوکارهای نظارتی مستقل و حرفه‌ای جهت پایش مستمر نحوه استفاده از فناوری لباس دوربین‌دار، به‌ویژه با هدف حفاظت از حریم خصوصی و حقوق شهروندان.
- ۴- انجام مطالعات میدانی، تجربی و بین‌رشته‌ای با هدف بررسی و تحلیل جامع آثار اجتماعی، روانی، حقوقی و فرهنگی به‌کارگیری لباس دوربین‌دار در پلیس ایران، تا زمینه بهبود سیاست‌گذاری و اجرایی این فناوری فراهم گردد.

## منابع

### الف) منابع فارسی

- ۱- امیدی، جلیل و نیکویی، سمیه (۱۳۸۷) «تعریف و میانی علنی بودن دادرسی کیفری»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۵۸، صص ۲۳-۳۸
- ۲- اسحاقی، محمد، (۱۳۹۲) رویکرد استراتژیک به پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات) مرکز مطبوعات و انتشارات معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرایم قوه قضائیه، چاپ اول، تهران
- ۳- بل، سوزان. (۱۳۹۰). دانشنامه پلیس علمی. نجابتی، مهدی و شایان، علی. تهران: انتشارات، سمت.
- ۴- پوراابراهیم، احمد و یزدان‌شناس، سمیرا (۱۳۹۵). «سازوکار نظارت دادستان بر انجام وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲». فصلنامه کارآگاه، شماره ۳۷، صص ۶۶-۸۰.
- ۵- صالحی، جواد. (۱۳۹۹)، «لباس دوربین‌دار پلیس و کارکرد حقوقی آن در نظام عدالت کیفری ایران». فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی. دوره ۳، شماره ۹، صص ۷-۲۲.
- ۶- صالحی، جواد، (۱۳۸۹)، حق متهم در برخورداری از مؤلفه‌های دادرسی عادلانه، مجله اصلاح و تربیت، سال ۹، شماره ۹۷، صص ۲۴-۳۶

- ۷- صدری، سمیه، اکبری، عباسعلی، شریزاده، مهدی. کاربرد دوربین‌های مدار بسته در فرآیند رسیدگی کیفری و ارتباط آن با عدالت کیفری. فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین، ۱۴۰۴؛ ۱۳(۲۳): ۱-۲۵.
- ۸- ساریخانی، عادل و روح‌الله اکرمی سراب (۱۳۹۲) «کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۸۲، صص ۹۱-۱۱۶.
- ۹- ساریخانی، عادل (۱۳۹۷). «حقوق شهروندی متهم در تعامل پلیس در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحی». فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، سال ۱۳، شماره ۴۹، صص ۱۸۱-۲۰۰.
- ۱۰- قاسمی‌مقدم، حسن (۱۳۹۴). «تفهیم حقوق متهمان از سوی ضابطان دادگستری: با تأکید بر قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲». پژوهشنامه حقوق کیفری، سال ۶، شماره ۲، صص ۱۲۹-۱۵۳.
- ۱۱- نوروزی، محمد؛ جوان جعفری، عبدالرضا و سیدزاده ثانی، مهدی (۱۳۹۶). «نقش‌آفرینی شهروندان در فرایند تحقیقات مقدماتی». فصلنامه تعالی حقوق، سال ۹، شماره ۱۸، صص ۳۳-۶۲.
- ۱۲- نظری علوم، مهدی ، شاه محمدی ، غلامرضا ، دعاگویان، داود، الله کریمی، روح الله، ( ۱۴۰۳ ) ، «شناسایی متهمین جرایم جنایی و امنیتی با تأکید بر فناوری نوین» ، فصلنامه مطالعات و پژوهش های امنیت داخلی ، صفحه ۱۴۷ تا ۱۷۶ .

#### ب) منابع انگلیسی

- 13- Robinson, A. M., & Richards, J. B. (2017). Legal issues related to digital photographs and images. In A. M. Robinson (ed.), *Crime Scene Photography* (pp. 583–649) Academic Press .
- 14- Halford, B., & Webster, A. (2024). Using ChatGPT to assess police threats, risk, and harm. *International Journal of Law, Crime and Justice*, 78, 100686.
- 15- Andrew.15-Whitford, Anna ,Whitford . (2023). Modalities of monitoring: Evidence from cameras and recorders in policing. *Government Information Quarterly*, 40(4), 101882.
- 16- Kim, T. (2025). Facilitating police reform: Body cameras, police-involved homicides, and law enforcement outcomes. *Journal of Public Economics*, 248, 105424.
- 17- Demir, M., Apel, R., Braga, A. A., Brunson, R. K., & Ariel, B. (2020). Body worn cameras, procedural justice, and police legitimacy: A controlled experimental evaluation of traffic stops. *Justice Quarterly*, 37(1), 53–84.